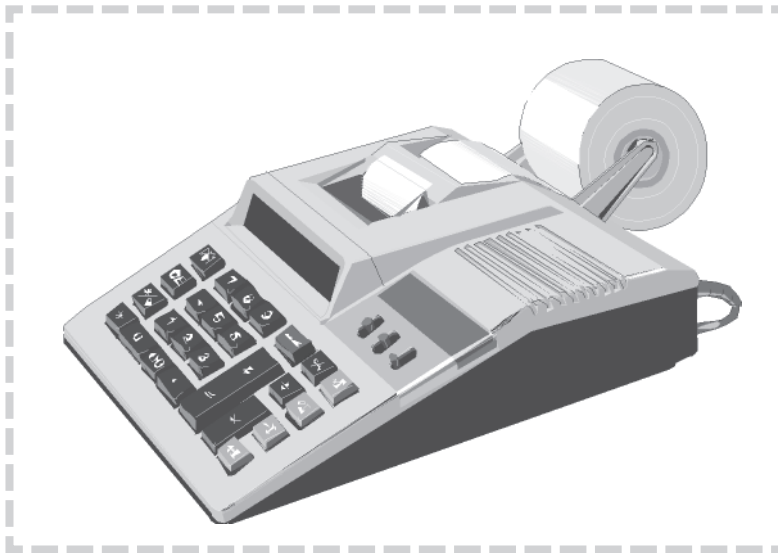

مدیریت هزینه‌های خانواده

۸ــ هزینه‌ی اندک برای پرهیز از هزینه زیاد را توضیح دهد.
۹ــ پس‌انداز و کمک هزینه‌های ضروری را شرح دهد.
۱۰ــ یادداشت هزینه‌ها و ابزار اصلی مدیریت هزینه‌ها را بیان کند.
۱۱ــ هزینه‌های مسکن را توضیح دهد.
۱۲ــ هزینه‌ی ازدواج را بیان کند.
۱۳ــ هزینه‌های سوگواری را شرح دهد.
۱۴ــ هزینه‌ی دید و بازدیدها را بیان کند.
۱۵ــ ویژگی‌های مسؤول مدیریت هزینه‌های خانواده را توضیح دهد.
۱۶ــ چگونگی مشارکت همه در مسؤولیت‌پذیری را شرح دهد.

اداره‌ی درست هزینه‌های خانواده گرچه برای همه‌ی خانواده‌ها امری لازم است ؛ ولی برای خانواده‌های کم‌درآمد و فقیر لازم‌تر از دیگر خانواده‌هاست. اگر خانواده‌های پر درآمد، بر اثر مدیریت نادرستِ هزینه‌های خانواده، مجبور به اختصاص دادنِ حجم زیادی از درآمد به هزینه‌ها می‌شوند و درنتیجه، کار بیشتر را بر نان‌آور خانواده تحمیل می‌کنند، در مورد خانواده‌های کم‌درآمد و فقیر مدیریت نادرست هزینه‌ها، گاه زندگی خانوادگی آنان را از هم می‌پاشد. اگر اشتباه یک خانواده پولدار در هزینه‌های تجملی، به آسانی قابل جبران باشد و شاید هیچ فشار مالی بر خانواده وارد نسازد ؛ این امر برای یک خانواده‌ی فقیر شاید جبران‌ناپذیر و یا با تحمل سختی زیاد همراه باشد. برای نمونه خرید یک اتومبیل خارجی به بهای چند ده میلیون تومان برای یک خانواده پولدار با توجه به میزان پس‌انداز و دارایی و درآمد خانواده، شاید هیچ‌گونه فشاری بر آن وارد نسازد، ولی برای یک خانواده فقیر خرید اتومبیلی چند میلیون تومانی نیز، ممکن است هزینه‌ای بسیار کمرشکن به‌شمار آید.

در مدیریت هزینه‌های خانواده مطالبی بررسی می‌شود که امکان تصمیم‌گیری بهتر را درباره هزینه‌ها برای خانواده فراهم می‌سازد. و در این راستا، برای خانواده‌ای که از درآمد کمتری برخوردار است، استفاده از اصولی که مدیریت بخردانه هزینه‌ها را ممکن‌تر می‌سازد، اهمیت بیشتری دارد.

۱ــ۴ــ امکان جایگزینی کالاها و خدمات

در مدیریت بخردانه اقتصاد خانواده و بویژه در خرید و مصرف کالاها و خدمات، داشتن تصویری روشن از کالاهایی که جایگزین شدنی هم هستند، ضرورت دارد. ممکن است کالاهایی از

نظر کیفیت یا بسته‌بندی و یا اندازه، اندکی از هم متفاوت و با عرف مصرف خانواده‌های پردرآمد همخوان نباشند و یا با معیارهای خانواده‌های ثروتمند خوانایی زیادی نداشته باشند، ولی در عوض دارای تفاوت بهای آشکاری با کالاهای همانند خود باشند. در این صورت برای کاهش هزینه‌های خانواده، می‌باید کالاهای ارزان‌تر با کیفیت یکسان را جانشین کالای گران‌تر کرد. البته خانواده‌ها عموماً زیر فشار قیمتها و کمی درآمد، خود به خود به این کار اقدام می‌کنند، ولی ممکن است این کار خیلی دیر و با تحمل فشار روانی ناشی از احساس محرومیت انجام گیرد، در حالی که با برخورد بخردانه و توجیه آن در خانواده، می‌توان در این باره به اقدامی آگاهانه و خود خواسته دست زد، تا حرکتی تسلیم‌طلبانه و امری آزار دهنده.

به‌عنوان نمونه از جایگزین نمودن برنج معمولی با قیمت کمتر به‌جای برنج با قیمت بالاتر و یا استفاده از سایر جایگزینهای هم‌خانواده مانند سیب‌زمینی و نان به‌جای برنج می‌توان یاد کرد.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت کسب اطلاعات کافی در رابطه با قیمت و کیفیت مناسب کالاها از بازارهای متفاوت و تشخیص نیاز واقعی خانوار در جایگزینی کالا و خدمات نقش مهمی را ایفاء می‌کند.

۲ــ۴ــ آسانی رشد هزینه‌ها

در مدیریت بخردانه‌ی اقتصاد خانواده در راستای برخورد پویا با هزینه‌ها و داشتن جایگزینهای گوناگون از کالاها و خدمات برای بهینه کردن مدیریت آنها، داشتن برنامه‌ای برای انواع هزینه‌ها، ــ همانگونه که در دسته‌بندی هزینه‌ها گفته شد ــ ضرورت دارد. اگر برنامه داشتن در هر موردی از هزینه‌ها ضرورت دارد، بکارگیری برنامه‌ریزی در هنگام افزایش درآمدهای خانواده از افزایش بی‌رویه هزینه‌های آن به‌دلیل افزایش درآمدها جلوگیری می‌کند. با توجه به روزانه و ضروری بودن مصرف برخی کالاها و خدمات و بلندمدت و غیرضروری بودن برخی دیگر، و بسته به دید خانواده و بویژه میزان درآمد و چگونگی به‌دست آوردن آن معیارهای مصرف خانواده شکل می‌گیرد. درآمد هر چه آسان‌تر و زیادتر به‌دست آید، ساده‌تر و تندتر می‌تواند صرف هزینه‌های غیرضروری، تجملی و حتی هوسبازانه شود. در عمل، این الگوها و معیارهای مصرفی خود را به‌صورت کالاها و خدماتی با ویژگیهای معین نشان می‌دهند و این خود به‌صورت امری ماندگار در ذهن افراد خانواده باقی می‌ماند و خانواده اگر به دلایلی نتواند بر این کالاها و خدمات دست یابد آن را به‌صورت خواسته‌ای خفته نگه‌می‌دارد، که به محض آماده شدن (افزایش درآمد) شرایط و امکان بروز یافتن، خواسته‌ی خود را

پدیدار می‌کند. تجربه نشان می‌دهد که افزایش هزینه‌ها و یا تغییر الگوهای مصرف در جهت افزایش، بسیار تند و ساده و با خشنودی همه‌ی افراد خانواده پذیرفته می‌شود، زیرا بر خواسته‌های خفته تکیه دارد. بالا رفتن از نردبان افزایش هزینه‌های خانواده و گزینش الگوهای جدید مصرف پرهزینه‌تر، به‌آسانی و تندی انجام می‌گیرد. امّا متأسفانه در حالت وارونه آن یعنی در شرایط کاهش درآمد خانواده و ضرورت کاهش هزینه‌های آن، پایین آمدن از نردبان و یا پلکان هزینه‌ها بسیار کند و با احساس فشار و محرومیّت بسیار و گاه با ایجاد آثاری ویرانگر بر روابط خانوادگی صورت می‌پذیرد. مدیریت بخردانه هزینه‌ها با توجه به پیش‌بینی درآمدها، برای جلوگیری از عدم تعادل‌های ناخوشایند، در شرایط افزایش درآمد، با توجه به برنامه‌ی تدوین شده قبلی، یا هزینه‌ها را بالا نمی‌برد و یا اندکی آن را افزایش می‌دهد.

۳ــ۴ــ دشواری کاهش هزینه‌ها

با توجه به اینکه هزینه‌های جاری یا کوتاه مدت و مصرفی به‌طور روزمره تکرار می‌شوند، مشکلترین بخش مدیریت هزینه‌ها، مربوط به این هزینه‌هاست. کاهش این هزینه‌ها پس از افزایش آن، بویژه هنگامی که مدت این افزایش زیاد باشد و کاملاً برای خانواده به‌صورت عادت درآمده باشد، بسیار رنج‌آور است. برای نمونه در مورد هزینه‌های مصرفی، اگر مصرف گوشت در خانواده بیش از حد متعارف افزایش یابد در صورت ضرورت، بسیار مشکل بتوان مصرف آن را بدون احساس محرومیت کاهش داد.

مدیریت بخردانه‌ی هزینه‌ها، علاوه بر داشتن برنامه‌ای برای هزینه‌های گوناگون، ایستادگی در برابر افزایش هزینه‌ها و بالا رفتن از نردبان هزینه‌ها را به‌دلیل دشواری کاهش آن، نیز لازم دارد.

به‌عنوان نمونه اگر به‌جای خرید کفش از کارخانه‌های کفش ماشینی، اقدام به خرید کفش سفارشی و یا خارجی کنیم و هزینه‌ی خرید کفش را بالا ببریم، معمولاً با کمترین اعتراض از سوی اعضای خانواده روبرو می‌شویم، در حالی که اگر وارونه آن را بخواهیم انجام دهیم، با اعتراضی همه‌جانبه روبرو خواهیم شد. چون افزایش هزینه‌ها را به هر صورتی نشان موفقیت می‌دانیم و کاهش آن را به هر دلیل نشان شکست.

مدیریت هزینه‌های خانواده که برنامه‌ریزی و آینده‌نگری را همیشه در کنار هم دارد، با وجود افزایش درآمد خانواده و حتی پیش‌بینی تداوم آن، نمی‌تواند به یکباره الگوی مصرف پیشین را رها کرده، با شتابزدگی و زیر تأثیر دیگران و یا زیر تأثیر خواسته‌های خفته‌ی غیرموجه، الگوی مصرف جدیدی را بدون تحلیل، بررسی و ارزیابی بپذیرد. به این دلیل، دگرگونی در الگوی مصرف و افزایش

هزینه‌ها و معیارهای آن را می‌باید به کندی و با ژرف‌بینی انجام داد تا فرصت بررسی بیشتری وجود داشته باشد. به‌نظر می‌رسد مدیریت خانواده همانند مدیریت رویدادهای ناگهانی در سطح کلان و یا مدیریت تحریم‌های اقتصادی، کاهش هزینه‌ها را با تهیه برنامه‌ای سنجیده تمرین کرد. به‌عنوان مثال یک ماه هزینه‌های خانواده را مثلاً با یک دوّم در آمد عادی و یا یک دوّم هزینه هر ماه مدیریت نماید.

۴ــ۴ــ فزایندگی هزینه‌ها

در مدیریت هزینه‌های خانواده به یک ویژگی دیگر هزینه‌ها باید توجه کرد و آن، فزایندگی هزینه‌ها مانند افزایش سرعت در شیبِ لغزنده است. نیازهای مصرفی هر چه بیشتر و تندتر برآورده شوند، نیازهای گسترده‌تر و گران‌تری را به‌دنبال دارند.

ویژگی فزایندگی میل به خرید و مصرف کالاها، شرایط روانی مناسبی را از نظر افزایش مصرف پدید می‌آورد. از یک سو فاصله‌ی خرید کالاها کاهش می‌یابد و مبلغ خرید افزایش و تصمیم‌گیری در خرید آسان‌تر می‌شود، و از سوی دیگر به‌دلیل عدم احساس خرسندی و رضایت مورد انتظار و یا زودگذری این احساس به‌دلیل سطحی بودنش، خرید جدیدتر، ضرورت می‌یابد. گسترش فهرست خواسته‌های مصرفی جدید، زیر تأثیر تبلیغات و یا زیر فشار هم‌چشمیها، سیر فزاینده‌ی پایان‌ناپذیر باورهای مصرفی جدید، سبب خرید و سپس مصرفِ آن می‌شود. گاه شرایط روانی نابخردانه، سرعت ایجاد باورهای مصرفی و خرید را آن‌چنان افزایش می‌دهد که دیگر وقت و فرصت کافی برای مصرف کالاها و خدمات خریداری شده برای فرد و خانواده‌ی وی باقی نمی‌گذارد. این پدیده را که برخی «اعتیاد به مصرف» یا «پرستش مصرف» نامیده‌اند[1]، در کشورهای سرمایه‌داری صنعتی جهان رواج عام دارد و در کشورهای جهان سوم و از جمله در ایران تنها ده تا بیست درصد از خانواده‌ها در این مرحله از مصرف هستند. گرچه این مسئله مربوط به خانواده‌های کم‌درآمد نیست، ولی شناخت آن، سرانجامِ رشد مصرف، پوچی و بی‌معنایی آن را نمایان می‌سازد. در این گام از مصرف، الگوی مصرف مانند بازی کودکانه نمایان می‌شود، زیرا یک انسان بالغ چگونه ممکن است، بدون توجه به امکان مصرف کالا، کالا خریداری کند؟

مدیریت بخردانه‌ی هزینه‌های خانواده با توجه به فزایندگی هزینه‌ها، تصمیم‌گیری در مورد هزینه‌ها را باید به‌گونه‌ای انجام دهد، که تعادل مالی و روانی خانواده در بلندمدت نیز ادامه یابد. این ویژگی هزینه‌های مصرفی خانواده در صورت مهار نشدن و هدایت نشدن آن در بستری آرام، همانگونه

۱ــ «*بنام زندگی*»، *اریک فروم*، برگردان اکبر تبریزی، انتشارات مروارید، چاپ یکم، تهران ۱۳۶۷، صفحه ۳۳و۳۴

که گفته شد، در نهایت هدف زندگی فردی و خانوادگی را زیر تأثیر قرار می‌دهد و انسان در خدمت مصرف و هزینه‌های آن قرار می‌گیرد. در اثر تکرار چنین الگوی مصرفی، اثرهای جنبی آن‌گاه خود به عامل اصلی بدل می‌شود و از چارچوب هزینه‌ها و مصرف خانواده می‌گذرد، زیرا مدیریت خردمندانه در آن دیگر نقشی ندارد.

۵ــ۴ــ ارتباط مصرف کالاها با هم

مصرف برخی از کالاها و خدمات ویژگی چسبندگی و وابستگی به مصرف دیگر کالاها و خدمات را دارد. این‌گونه کالاها و خدمات، گرچه خود به تنهایی یک کالا و یا خدمت به‌شمار می‌آیند ولی مصرف مجموعه‌ای از کالاها و خدمات را به دنبال خود دارند. در چنین وضعی تصمیم‌گیری در مورد مصرف کالاها و خدمات مزبور، تنها به خود آنها خلاصه نمی‌شود، بلکه باید مجموعه‌ی پیوسته به‌آن را برای تصمیم‌گیری بخردانه در مدیریت هزینه‌ها، مورد توجه قرار داد. برای نمونه داشتن اتومبیل، انتخاب محل سکونت و یا خرید یک خانه‌ی بزرگ و...، تنها به خود آنها و هزینه‌های خرید آنها محدود نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای از هزینه‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی را به ناچار به‌دنبال خود خواهد داشت. تفاوت فرهنگ‌ها در مناطق مختلف شهری و روستایی الگوهای متفاوت رفتاری و مصرفی را به‌دنبال دارد.

مدیریت بخردانه هزینه‌های خانواده، ناگزیر از به حساب آوردن مجموعه‌ی این هزینه‌هاست و نه‌تنها توجه به هزینه‌ی یک کالا و خدمت جدا شده از مجموعه‌ی وابسته و چسبیده به آنها.

۶ــ۴ــ ضرورت استقلال نسبی هزینه‌ها نسبت به درآمدها

درباره‌ی آنچه که مربوط به افزایش هزینه‌ها زیر تأثیر افزایش درآمدها گفته شد این نکته را نیز می‌توان گفت، که همه درآمدها از نظر تداوم، دارای شرایط یکسانی نیستند. برخی درآمدهای به‌دست آمده تکرار شدنی نیستند و یا تکرار آنها در آینده پیش‌بینی‌پذیر نیست و یا به‌طور منظم از لحاظ زمانی و از لحاظ میزان آن، قابل تکرار نیستند. به همین دلیل، اگر هزینه‌های خانواده‌ی خود را با این‌گونه درآمدها هماهنگ سازیم، برهم خوردن تعادلِ مالی خانواده قطعی خواهد بود. البته به دلیل پیش‌بینی‌ناپذیری درآمدهای استثنایی مزبور، هزینه‌های روزمره‌ی خانواده خود به خود نمی‌تواند از آن محل انجام گیرد ؛ ولی ممکن است خریدهایی با آن درآمدها صورت گیرد که الگوی مصرف موجود خانواده را زیر سؤال برد. در مورد این‌گونه هزینه‌ها، مدیریت بخردانه هزینه‌های خانواده، حکم می‌کند

که این درآمدها صرف هزینه‌های روزمره خانواده نشوند، بلکه در صورتی که نیاز کاملاً ضروری برای مصرف آنها وجود ندارد، این درآمدها یا به شکلهای مختلف پس‌انداز شوند و یا به مصرف هزینه‌های استثنایی که در زندگی روزمره تکرار نمی‌شوند، برسند. البته این هزینه‌های استثنایی هم باید ضروری باشند و نه تفننی و تجملی وگرنه الگوی مصرف خانواده را زیر تأثیر منفی قرار می‌دهند. نمونه‌های بارز رعایت نکردن چگونگی استفاده از درآمدهای اتفاقی یا استثنایی را می‌توان در استفاده نابجا از ارث مشاهده کرد، که بسیاری به‌دلیل باد آورده بودن این درآمد و رنج نبردن برای به‌دست آوردن آن، نه‌تنها آن را به آسانی و به سرعت به باد می‌دهند، بلکه گاه با بد عادت شدن در اثر مصرف این درآمدها، خانواده دچار مشکلات زیادی در هماهنگ کردن بعدی خود، با درآمد واقعی و همیشگی‌اش می‌شود.

۷ــ۴ــ هزینه اندک برای پرهیز از هزینه زیاد

گاه موردهایی پیش می‌آید که برای خودداری از هزینه‌ای بالا که درآمد خانواده تاب تحمل آن را ندارد، می‌باید حتی هزینه‌ای غیرضروری را انجام داد. می‌توان با هزینه‌ی بسیار کمتری تشنگی مربوط به تقاضای مصرف کالا و خدمت گرانِ حاد شده را کاهش داد و یا برطرف کرد. مثلاً می‌توان مسافرت چند شبانه‌روزی به نقطه‌ای دور را با مسافرتی یکروزه، جایگزین کرد و یا جشن عروسی خارج از توان مالی را به میهمانی کوچکی تبدیل کرد و تفاوت آن را صرف پس‌انداز کرد و یا برای رهن کردن خانه، به‌کار گرفت.

مدیریت بخردانه‌ی هزینه‌های خانواده با توضیح مسأله و قانع کردن اعضای خانواده، باید این جایگزینیها را انجام دهد، وگرنه با ایستادگی آنان روبرو می‌شود و گاه مجبور به تحمل هر دو هزینه‌ی مزبور می‌گردد. فراهم کردن زمینه‌ی لازم برای تصمیم‌گیریهای بخردانه در مورد هزینه‌ها، از جمله جایگزینی هزینه‌ها با هم، نه‌تنها تربیت و پرورش منطقی فرزندان را نیاز دارد، بلکه به تفاهم زن و شوهر در این مورد و پذیرش درآمد معمولی خانواده به‌عنوان یک اصل، برای انجام هزینه‌ها در چارچوب آن نیز نیازمند است. باید توجه داشت معمولاً فرزندان زیرکانه از تفاوت نظر پدر ومادر برای پیش‌برد خواسته‌های خویش که گاه کاملاً با منافع خانواده در تضاد است استفاده می‌کنند، بنابراین گفتگوی پدر و مادر حتماً باید بدون حضور فرزندان (هرچند کوچک و خردسال) انجام گیرد.

۸ــ۴ــ پس‌انداز و کمک هزینه‌های ضروری

در مدیریت بخردانه‌ی هزینه‌های خانواده، باید درصدی را به پس‌انداز تک‌تک افراد خانواده

و بویژه پدر و مادر اختصاص داد و مبالغی را نیز صرف کمک و بخشش به دیگران کرد. البته هر چه خانواده کم‌درآمدتر باشد، مسلماً تحقق این دو مشکل‌تر است ؛ ولی در هر شرایطی باید بتوان هر چند مبلغ ناچیزی را به این امور اختصاص داد. درباره‌ی پس‌انداز و ضرورت آن به‌نظر می‌آید بحثی نیست ؛ زیرا بدون پس‌انداز، خانواده تاب تحمل هزینه‌های اتفاقی، ناگهانی و ضروری را ندارد و هرچه میزان پس‌انداز به این‌گونه هزینه‌های پیش‌بینی‌ناپذیر نزدیک‌تر باشد امنیت خاطر بیشتری برای خانواده پدید می‌آورد. افزون بر تأمین هزینه‌های ناگهانی، همانگونه که پیش از این گفته شد، پس‌انداز نیازهای بلندمدت را نیز برطرف می‌سازد، نیازهایی که برطرف کردن آنها هزینه‌هایی را می‌طلبد که فراتر از درآمد ماهانه‌ی خانواده است.

شاید بکارگیری پس انداز به‌منظور بخشش و کمک، آن هم از سوی خانواده‌های کم‌درآمد و حتی فقیر و ندار، در چارچوب مدیریت هزینه‌های خانواده شگفت‌انگیز جلوه کند، ولی این هزینه‌ها نیازهای معنوی و کیفی را برطرف می‌سازند، که برای سلامت خانواده ضرورت دارد.

مدیریت بخردانه‌ی هزینه‌های خانواده با پرداخت بخشی از درآمد خانواده به دیگران به‌عنوان کمک، افزون بر آنچه که از نظر رفع نیازهای معنوی انسان گفته شد، به اعضای خانواده آموزش می‌دهد، که نیازمندتر از آنان نیز وجود دارد، و وضع مالی خانواده می‌تواند بدتر از آنچه که هست نیز باشد. چنین نگرشی می‌تواند کمک مؤثّری برای مدیریت خانواده در تصمیم‌گیری بخردانه هزینه‌ها باشد.

۹ــ۴ــ یادداشت هزینه‌ها ابزار اصلی مدیریت هزینه‌ها

مدیریت بخردانه‌ی هزینه‌های خانواده، افزون بر برنامه‌ریزی و پیش‌نگری و هماهنگی خواسته‌ها با امکانها (مادی و غیرمادی)، پس از انجام هزینه‌های مصرفی، تجربه‌آموزی از آن را نیز با استفاده از بازخورد، مورد توجه قرار می‌دهد. از این نظر نوشتن روزانه‌ی هزینه‌ها و جمع هزینه‌های روزانه، هفتگی، ماهانه و سالانه، افزون بر مشخص کردن میزان هزینه‌های انجام شده، امکان تحلیل و بررسی خردمندانه آنها را فراهم می‌سازد. اینکه بیشترین هزینه‌ها مربوط به خرید کدام کالا و خدمت بوده است و اینکه این هزینه‌ها تا چه اندازه ضروری و صرفنظر ناکردنی و یا کاهش‌ناپذیر بوده‌اند، و آثار آنها بر بودجه خانواده تا چه اندازه بوده است و بکارگیری دیگر سنجه‌های لازم برای تحلیل هزینه‌ها، همه درصورت نوشتن هزینه‌ها، ممکن می‌گردد. چنین برخوردی با نتیجه‌ی هزینه‌ها افزون بر ارزشیابی هزینه‌های انجام شده با توجه به برنامه‌ی قبلی هزینه‌ها، امکان پیش‌بینی درست‌تر و برنامه‌ریزی بهتر

هزینه‌های خانواده را نیز در آینده فراهم می‌سازد. البته هرگونه اصلاح و بازنگری در برنامه‌های پیشین که خود نیازمند نوشتن هزینه‌های خانواده می‌باشد تحلیل توأم با نقد آنها را لازم دارد. بررسی هزینه‌های انجام شده و نوشته شده، امکان نرمش‌پذیری در مدیریت هزینه‌ها را برای آینده با حداقل فشار به خانواده و با حداقل احساس محرومیت از مصرف کالاها و خدمات ضروری فراهم می‌سازد. سنجیدن نتیجه‌ی هزینه‌های انجام شده‌ی خانواده با برنامه و هدف‌های از پیش تعیین شده نیز، با یادداشت برداری هزینه‌ها ممکن می‌گردد.

برای نمونه با یادداشت هزینه‌ها و ارزیابی هفتگی، ماهانه و سالانه‌ی آنها آشکار می‌شود که مثلاً خانواده در ماه یا سال چه اندازه پول بابت حمل و نقل، آموزش، خوراک و... پرداخته است. پس از این گام، کوشش در پاسخ دادن به این پرسش به عمل می‌آید که آیا نمی‌توان کیفیّت و کمیّت لازم را، از راههای کم‌هزینه‌تر برای رفع نیازمندیهای مزبور تأمین کرد. یا اینکه آیا نمی‌شود مثلاً با کاهش هزینه‌های رفت و آمد، هزینه‌های خوراک را (اگر دچار کمبود است) بهبود بخشید و یا با بهبود بهداشت و خوراک و انجام ورزش، نرمش و اصلاح ساعتهای خواب، هزینه‌های درمان را کاهش داد. یا هزینه‌های میهمانی را آیا نمی‌توان با حذف شام و یا میوه و خوراک و نوشیدنی گران‌قیمت، کاهش داد. یا تعداد میهمانیها و یا مهمانها را کاهش داد و یا برخی از میهمانی‌ها را که پرتکلف‌تر و هم‌چشمی در آنها بیشتر است حذف کرد و صرفه‌جویی ناشی از آن را به بهبود آموزش اختصاص داد و یا برای انجام فلان هزینه‌ی ضروری ولی گران‌قیمت خانواده، پس‌انداز کرد؟ گفتنی است که نوشتن تنها ابزار شناخت هزینه‌های انجام شده و تحلیل آن‌ها نیست بلکه ابزاری است که در همه‌ی بخش‌های مدیریت خانواده کاربرد دارد. به‌عنوان نمونه پس از تعیین هدفهای هزینه‌ای خانواده یادداشت کردن آن‌ها سبب می‌شود که همیشه تصمیم قابل مشاهده باشد و هم‌چنین یادداشت کردن اختیار و مسئولیتهای هر یک از اعضای خانواده در مدیریت خانواده و هزینه‌ها مفید بوده و مانع بازنگری مجدد خواهد بود.

۱۰ــ۴ــ هزینه‌های مسکن

یکی از مهمترین هزینه‌های هر خانواده، هزینه‌های مربوط به خرید خانه است که پیش از خرید خانه، فراهم کردن امکان آن، به میزان اجاره بهای پرداختی بستگی دارد. پس از خرید خانه نیز پرداخت قسطهای اصل و سود وام دریافتی، تأثیر مستقیمی بر هزینه‌های خانواده می‌گذارد. البته فشار وارده به درآمد خانواده هم در پرداخت اجاره ماهانه و هم در پرداخت قسطهای بدهی، بستگی به میزان آنها در مقایسه با میزان درآمد ماهانه خانواده دارد.

نخستین نکته‌ی درخور توجه این است که، به نسبت بالاتر بودن هزینه‌ی اجاره خانه در مقایسه با درآمد خانواده، به‌دلیل کاهش پس‌انداز خانواده و یا حذف آن، صاحب خانه شدن دسترس‌ناپذیرتر می‌شود. واقعیت هزینه‌های اجاره بهای خانه نشان می‌دهد، که محل خانه و مساحت آن و مصالح ساختمانی، نوساز و یا قدیمی بودن آن در اجاره بهای خانه تأثیر می‌گذارد. مدیریت بهینه هزینه‌های خانواده، با آگاهی از اینکه تنها راه خانه‌دار شدن پس‌انداز است و برای امکان‌پذیر شدن پس‌انداز باید اجاره‌بها اندک باشد، ناگزیر خانه‌ای اجاره می‌کند، که بهای اجاره‌ی آن اندک است.

مدیریت بهینه‌ی هزینه‌های خانواده به‌دلیل تفاوت در تأثیرگذاری، به نکته‌های بیشتری در خرید خانه نسبت به اجاره‌ی خانه، توجه می‌کند. اشتباه در انتخاب محل خانه، اندازه‌ی خانه و اجاره بهای آن، درباره‌ی خانه اجاره‌ای با سادگی بیشتری می‌تواند جبران شود، در حالی که چنین اشتباه‌هایی در خرید خانه به سادگی قابل جبران نیست و اصلاح اشتباه، هزینه‌های زیادی را بر خانواده تحمیل می‌کند. گرچه هم در مورد اجاره خانه و هم خرید آن می‌توان اشتباهها را جبران کرد، ولی گاه جابجایی نمی‌تواند، بدون آثار منفی انجام گیرد. گذشته از هزینه‌های مادی جابجایی، آسیبهای روانی در اثر جابجایی به افراد خانواده وارد می‌شود، که گاه جبران‌ناپذیر است

نکته دیگر در جابجایی به‌دلیل ایجاد دوستی نسبت به محیط زیست و محل سکونت، ایستادگی در برابر جابجایی از سوی اعضای خانواده است. بویژه اگر سن فرزندان بالا باشد به سادگی نمی‌توان رضایت اعضای خانواده را به سکونت در محله‌ای دیگر بویژه در خانه‌ای کوچکتر و قدیمی‌سازتر، جلب کرد. به این عامل بازدارنده‌ی جابجایی، خو گرفتن اعضای خانواده به معیارها و روابط اجتماعی محل سکونت و سطح توقع متناسب آن را نیز باید افزود، که روی هم در اثر جابجایی، فشار روانی بسیاری بر خانواده وارد می‌کنند، که گاه جبران‌ناپذیر می‌شود.

۱۱ــ۴ــ هزینه‌های ازدواج

از هزینه‌هایی که با وجود تکرار نشدنشان، بر همه‌ی زندگی خانوادگی تأثیر می‌گذارد، گزینش همسر و هزینه‌های ازدواج است. گزینش همسر از همان آغاز، با توجه به الگوهای مصرف خانواده‌ی همسر و میزان ثروت آن از راه تأثیرگذاری آنها در الگوها (سنجه‌ها)ی مصرف‌مان به‌طور ذهنی و عینی بر چگونگی هزینه‌های خانواده اثر می‌گذارد. البته در شرایط اجتماعی کنونی لازمه‌ی داشتن الگوی مصرف تجمّلی، داشتن ثروت نیست. بسیاری از جوانانی را که در خانواده‌های کارمندی و کارگری کم‌درآمد پرورش یافته‌اند می‌توان یافت که دارای الگوی مصرف غیرمنطقی و زیادخواهانه نسبت به

درآمد و الگوی مصرف خانوادگی خودشان می‌باشند. اینان با وجود دست نیافتنی بودن الگوی مصرف و خواسته‌های مصرفی‌شان به‌طور عینی، از نظر ذهنی سخت به آنها باور دارند و در مقایسه‌ی این الگوها با زندگی واقعی مصرفی خویش، همیشه ناخرسندی و ناخشنودی خود را، گاه تا حد بی‌زاری از وضع موجود ابراز می‌کنند. و این باور سبب می‌شود تا به بهانه‌ی کم‌بودن مزد و حقوق کار از انجام کار درست بگریزند.

اگر دقت در گزینش محل سکونت و کاهش رفت و آمد با همسایه، دوستان و خویشانی که اثر منفی بر تعادل مالی خانواده می‌گذارند، راهکاری بخردانه و از روی ناچاری است، گزینش همسر بویژه در برخی از خانواده‌های زوجین که دخالتهایی در زندگی خانواده‌ی تازه تأسیس می‌کنند، تأثیری سرنوشت‌ساز، در چگونگی هزینه‌های خانواده و الگوی مصرف آن خواهد داشت.

اگر هزینه‌های مراسم ازدواج، متناسب با پس‌انداز قبلی و آن هم کاملاً پیش‌بینی شده برای این مورد نباشد، رسم زیبا و خاطره‌انگیز جشن ازدواج، می‌تواند مدتها خانواده را از نظر مالی فلج سازد. در گذشته که رسم دلنشین تأمین همه هزینه‌ها، به اضافه‌ی سرمایه‌ای برای خانواده‌ی نوپا از سوی میهمانان برقرار بود، نه‌تنها به درازا کشیدن زمان جشن عروسی (۳ تا ۷ شبانه‌روز)، بلکه تعداد زیاد دعوت‌شدگان نیز آسیبی به اقتصاد خانواده‌ی در حال تشکیل نمی‌رساند. ولی پس از اینکه این‌گونه رسمها از بین رفت و هدیه‌ی جنسی متداول شد، دیگر به هیچ وسیله‌ای جبران هزینه‌های عروسی، جز از محل درآمد و پس‌انداز داماد ممکن نیست. برخی اوقات بزرگترها، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، هزینه‌های عروسی سنگینی را بر زوج جوان تحمیل می‌کنند که تا چندین سال خانواده نوپا مجبور به‌بازپرداخت اقساط وام گرفته شده برای عروسی مزبور و بهره آن می‌شود. در این صورت حکمت وجودی این رسم زیر پرسش قرار می‌گیرد و هدفهای جشن ازدواج کاملاً دگرگون می‌شود.

به‌نظر می‌رسد که در این مورد (جشن ازدواج و خریدهای آن) باید برنامه‌ای سنجیده و متناسب با امکانهای خانواده داشت. ضمن برگزاری رسمهای زیبای مربوط به ازدواج، می‌توان آنها را به‌سادگی برگزار کرد و تقلید و هم‌چشمی را به حداقل ممکن رساند. الگوبرداری از خانواده‌های ثروتمند، که گاه با کاری اندک و یا حتی بدون کار کردن می‌توانند درآمدهای هنگفت به‌دست آورند و انجام هزینه‌های ازدواج همانند هزینه‌های دیگر خانواده برایشان نوعی سرگرمی و معنی پیدا کردن زندگی و احساس شخصیت است، برای خانواده‌های کم‌درآمد و ندار که اکثریت افراد جامعه را تشکیل می‌دهند، گاه نابودکننده است.

در این‌باره می‌توان به ضرورت هماهنگی آنچه در مدیریت بخردانه هزینه‌ها وجود دارد، با تأمین

نیازهای روانی و انسانی خانواده در انجام جشن عروسی اشاره کرد. رفتار بخردانه‌ی مصرفی و رفتار بخردانه برای کل زندگی خانواده که هر دو مدیریت ویژه خود را می‌طلبند، باید با هم هماهنگ شوند و یکی را نمی‌توان فدای آن دیگری کرد. به همین دلیل، مدیریت بخردانه‌ی زندگی ایجاب می‌کند که دو گونه مدیریت اقتصادی و عاطفی به‌گونه‌ای بهینه با هم ترکیب شوند. ضمن واقع‌بینی در انجام هزینه‌ها، باید به این پرسش نیز پاسخ داد، که چگونه می‌توان احساسات، عواطف خانواده را نیز در حد مطلوب رعایت و تأمین کرد؟ یکسونگری، از یک طرف، خانواده را از داشتن روابط مهرآمیز با خود و دیگران محروم می‌کند و از طرف دیگر، با نبود برنامه انجام هزینه‌های مربوط به این روابط، نابسامانیهای مالی شدیدی بر اقتصاد خانواده وارد می‌سازد، که گاه به بهای شرافت و یا زندگی نان‌آور خانواده و حتی به‌بهای از هم گسیختن روابط خانوادگی تمام می‌شود. برای جلوگیری از چنین سرنوشتی برای خانواده‌ی نوپا، دختر و پسر پیش از ازدواج ناچار به‌هم آهنگی با هم و مهمتر از آن گفتگو در فضای مناسب با خویشان و بویژه با پدر و مادر خود برای جلب موافقت آنان هستند، طراحی و فرایندی که هم رضایت زوج جوان را در نظر بگیرد و هم‌چنین امکان تأمین هزینه‌ی آن باشد نیازمند مدیریتی است که نرمش‌پذیر، آرام و بردبار، قاطع و آگاه به‌واقعیت‌ها و معتقد به امکان تفاهم باشد.

۱۲ــ۴ــ هزینه‌های سوگواری

گرچه برگزاری مراسم سوگواری تأثیر تعیین‌کننده‌ای در کاهش درد و رنجِ از دست دادن عزیزان دارد ؛ ولی رعایت نکردن برخی نکات ممکن است برگزاری این مراسم را به‌صورت یکی از مشکلات خانواده درآورد. برخلاف گذشته که این مراسم به‌سادگی برگزار می‌شد، اکنون به تقلید از خانواده‌های پولدار، هزینه‌های سوگواری گاه بیش از هزینه‌های ازدواج بر دوش خانواده‌های کم‌درآمد سنگینی می‌کند.

مدیریت بخردانه‌ی هزینه‌ها، پیش‌بینی هزینه‌های سوگواری و نظارت بر آن را (در صورت واقع شدن)، می‌طلبد. سپردن امور برگزاری مراسم سوگواری به فردی که بتواند در چارچوب تعیین شده و متناسب با درآمد خانواده و به دور از هیجانهایی که در این زمانها پیش می‌آید، از عهده‌ی انجام هزینه‌های آن برآید، به‌نظر می‌رسد یکی از راههای پرهیز از زیاده‌روی است. البته گاه موردهایی پیش می‌آید که چنین فردی با سوءاستفاده از درد و رنج نزدیکان فوت شده، سنگین‌ترین هزینه‌ها را بر خانواده‌ی عزادار تحمیل می‌کند. مدیریت بخردانه‌ی هزینه‌های سوگواری از دید دیگری نیز مطرح است. در گذشته به‌وسیله خیرات دادن و نماز و روزه خریدن برای فوت شده هزینه‌های سوگواری، خانواده‌های کم‌درآمد را دربر می‌گرفت و به آنان یاری می‌رساند ؛ این سنت می‌تواند با متنوع شدن،

تقویت شود. گاهی در خانواده‌های سوگوار بویژه افراد کم درآمد، تعهّد به پذیرایی از میهمانان شبانه‌روزی با توجّه به تألّمات روحی افراد سوگوار، ضمن تحمیل دشواری پذیرایی، خانوار را با مشکل هزینه‌های غیرقابل تأمین مواجه می‌کند که در آینده جبران این خسارت اندوه وارده را به خانواده‌ی سوگوار دوچندان خواهد کرد.

۱۳ــ۴ــ هزینه‌ی دید و بازدیدها

هزینه دید و بازدیدهای خانوادگی نیز با توجه به سنتهای زیبای ما، در صورتی که بسادگی برگزار نشود و بدتر از آن، اگر اجرای این سنتها خود به فضای پر از رقابت تبدیل شود، از هزینه‌های برهم زننده‌ی تعادل اقتصاد خانواده است. مهمانی دادن، دید و بازدید با خویشان، نزدیکان، دوستان و همسایه‌ها، یکی از شیوه‌های دلنشین روابط انسانی است که معنی زندگی و بودن می‌تواند از آن برخیزد و دایره روابط مهرآمیز را از محدوده‌ی خانواده کوچک (پدر و مادر و فرزندان) به میدانهای گسترده‌تری انتقال دهد. ولی همین رسم زیبا و دلنشین می‌تواند به میدان رقابتها و هم‌چشمیها، وقت‌گذرانی به بدترین شیوه‌ی آن، بدآموزی و اهرم فشار خردکننده‌ای بر مدیریت بخردانه هزینه‌های خانواده بدل شود. گاه به رخ کشیدن ثروت و سطح بالای هزینه‌ها با گفتار و کلام همراه نیست، برعکس شاید ریاکارانه در گفتار، تجمل‌پرستی نفی شود، ولی در عمل، زندگی چنین خانواده‌هایی خود ابزارهایی برای اعمال نظر هستند. این تأثیر منفی بویژه در شرایطی که زن و شوهر، در مورد الگوها و سنجه‌های مصرف، از اتفاق‌نظر برخوردار نیستند، می‌تواند برای وضع مالی خانواده ویرانگرتر باشد و تأثیر بسیار منفی روی خواسته‌ها و رفتار فرزندان بگذارد. گاه برای نزدیک کردن هزینه‌ی تهیه میوه و غذا در یک میهمانی نسبت به سطح خانواده‌ای که قبلاً مهمانشان بوده‌ایم، خانواده به تحمل فشاری توان‌فرسا از نظر تأمین هزینه‌های آن دچار می‌شود. و یا احساس سرشکستگی از ناتوانی تدارک میهمانی «مناسب» بروز می‌کند که دیگر تنها پدر و مادر را دربر نمی‌گیرد، بلکه فرزندان عقل‌رس را هم زیر تأثیر منفی خود قرار می‌دهد. در چنین شرایطی کاهش دید و بازدیدهای این‌چنانی و یا قطع آنها رخ می‌دهد. در حالی که می‌توان میهمانی ناهار و یا شام را با پذیرایی عصرانه جابجا نمود.

در همین رابطه نکته دیگری را نیز می‌توان طرح کرد و آن، خودداری از وارد کردن فشار مالی بر دیگر خانواده‌هاست. اگر مدیریت بخردانه‌ی هر خانواده، سطح هزینه معینی را با توجه به درآمدهای هر خانواده، تعداد فرزندان، سن آنان و... تجویز می‌کند، به همین دلیل توجه به سطح درآمدهای

خانواده‌هایی که با آنها در دید و بازدید هستیم، از نظر خودداری از وارد کردن فشار مالی بر آنان و یا خجالت‌زده کردن آنان با هزینه‌های مصرفی خویش و از جمله هزینه میهمانی که می‌دهیم، بخش دیگری از مدیریت بخردانه اقتصاد خانواده به‌شمار می‌آید. در مدیریت بخردانه‌ی هزینه‌های دید و بازدیدها، با توجه به اینکه هدف توسعه‌ی روابط انسانی به‌ویژه، با خویشان نزدیک می‌باشد، اجتناب از خودنمایی و به‌رخ کشیدن امکانات خانواده، ضروری است.